

REVIEW

پزشکان در ایران باستان

Physicians in ancient Persia

Arman Zargaran^{1,2}, Seyedeh Aida Ahmadi^{1,2}, Saeid Daneshamouz³, Abdolali Mohagheghzadeh⁴

1- Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

2- Research Office for the History of Persian Medicine, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

3- Department of Pharmaceutics, Faculty of Pharmacy, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

4- Department of Traditional Pharmacy, Faculty of Pharmacy and Pharmaceutical Sciences Research Center, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Correspondence: Seyedeh Aida Ahmadi; Research Office for the History of Persian Medicine, North Ghaani Street, Shiraz, Iran; ahmadisai@sums.ac.ir

Abstract

Studying the history of science in ancient civilizations can help to shed light on the mysteries of the history of science as well as the contribution of nations to the growth of science in the world throughout the history. Among various branches of science, medicine is of particular importance and owing to the crucial role of physicians in this discipline; the present study has taken the role of physicians in ancient Persia (since the dawn of history to 637 AD) into account. To meet this end, the study has worked on the manuscripts remained from different historical era (Iranian and Non-Iranian) as well as the findings of the more recent research conducted on the history of Persian medicine. In the end, a sketch of the status of physicians in ancient Persia are presented: 1- Medicine in ancient Persian languages, 2- The status of medicine in ancient Persia, 3- Different kinds of physicians, 4- Persian physicians, 5- Non-Persian physicians in ancient Persia, and 6- Common medical rules and laws. The findings of the study depict the advanced medical system present in ancient Persia. It is also found that the high scientific and economic status of physicians and scientists in ancient Persia encouraged numerous non-Persian physicians to immigrate to Persia.

Key words: Medicine, Physicians, Ancient Persia, Medical Laws

Received: 16 May 2012; Accepted: 1 Jul 2012; Online published: 30 Jul 2012

Research on History of Medicine/ 2012 Aug; 1(3): 68-80.

آرمان زرگران^{۱,۲}

سیده آیدا احمدی^{۱,۲}

سعید دانش آموز^۳

عبدالعلی محقق زاده^۴

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲- دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۳- گروه فارماسیوتیکس، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

۴- گروه داروسازی سنتی، دانشکده داروسازی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

نویسنده مسئول: سیده آیدا احمدی، ایران، شیراز، خیابان قآنی شمالی، دفتر مطالعات تاریخ پزشکی ایران؛ ahmadisai@sums.ac.ir



خلاصه مقاله

مطالعه و بررسی پیشینه دانش در هر تمدنی از سویی موجب هویت بخشی و ایجاد انگیزه در آن ملت است و از سوی دیگر نقش آن کشور را در تکوین تاریخ علم جهان مشخص می سازد. یکی از شاخه های دانش، علم پزشکی است و از شاخصه های مهم این دانش، پزشکان به شمار می روند. در این مطالعه سعی بر آن است پزشکان ایران باستان در بازه زمانی پیش از تاریخ تا ۶۳۷ میلادی (مقارن با ورود دین مبین اسلام به ایران) مورد تحقیق قرار گیرد. در این راستا آثار به جای مانده از ادوار باستانی و گذشته اعم از ایرانی و غیر ایرانی و نیز نتیجه پژوهش های پژوهشگران متاخر مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفت. با جمع بندی اطلاعات بدست آمده مباحث ۱- پزشکی در زبان های باستانی ایران؛ ۲- جایگاه پزشکی در ایران باستان؛ ۳- انواع پزشکان، ۴- پزشکان ایرانی؛ ۵- پزشکان غیر ایرانی مقیم ایران و ۶- قوانین رایج پزشکی در ایران باستان مورد بحث قرار گرفت. این پژوهش از سویی به روشن شدن وضعیت پزشکان و قوانین رایج آن در ایران باستان کمک نموده و از سوی دیگر با بررسی قرائن موجود می توان ادعا نمود بستر علمی موجود در ایران آنچنان مساعد بوده که تعدادی از پزشکان ملل گوناگون را به خدمت می گرفته و فضای آزاد اندیشی علمی استوار بوده است. همچنین وجود قوانین منظم و نظام مند پزشکی گویای وجود ساختار منسجم نظام پزشکی ایران باستان است.

کلمات کلیدی: پزشکی، پزشکان، ایران باستان، قوانین پزشکی

مقدمه

پیشینه و تاریخ هر ملتی سند هویت، قدمت و نقش آن در تکوین تمدن بشری است. این مهم به خصوص در مورد تاریخ علوم برجسته تر می باشد. از جمله شاخه های مهم دانش، پزشکی است که شناخت پیشینه و تاریخ آن علاوه بر روشن نمودن گوشه های مهم تاریخ پزشکی دنیا، موجب ایجاد انگیزه و هویت بخشی به پژوهشگران آن کشور خواهد بود. در این میان پزشکان و جایگاه ایشان از جمله مهم ترین شاخصه های وضعیت دانش پزشکی می باشد.

در این راستا در مورد بسیاری از تمدن ها از جمله یونان باستان پژوهش های وسیعی صورت گرفته تا آن جا که بسیاری از سببل های پزشکی امروز را تحت تاثیر قرار داده است. در این میان عصای اسکولپیوس، خدای پزشکی یونان باستان که امروزه نماد پزشکی به شمار می رود، قابل ذکر است.^۱ این در حالیست که خاستگاه پزشکی ایران علی رغم تاریخ چند هزار ساله آن در هاله ای از ابهام قرار دارد.^۲ این مهم از سویی به علت نابودی اکثر منابع ایرانی پیش از اسلام طی هجوم اقوام همسایه در طول تاریخ و از سوی دیگر به علت عدم پژوهش های کافی به خصوص از سوی پژوهشگران ایرانی است. همچنین این نکته نیز قابل توجه است که در بسیاری از تمدن های بزرگ دنیا علوم پزشکی جایگاه مناسبی نداشته چنانکه علی رغم لوحه حمورابی و قوانین پزشکی آن به عنوان یکی از قدیمی ترین قوانین پزشکی دنیا در بابل^۳ هرودوت، پدر تاریخ تمدن بزرگ بابل واقع در بین النهرین را مقارن با دوران هخامنشی این گونه توصیف می کند: "آنها پزشک ندارند از این رو بیماران خود را در کوچه در معرض نگاه عابرین می گذارند تا هر گاه رهگذری راه علاج آن ناخوشی را خواه به واسطه تجربه شخصی یا مشاهده موردی مشابه بداند اظهار کند و رسم اینست که عابر در کنار بیمار توقف و برای درمان ناخوشی او داروئی که خود در همان مورد با موفقیت بکار برده است و یا اطلاع دارد بیمار دیگری از آن بهره مند شده است پیشنهاد می کند. عبور از برابر بیمار و سکوت اختیار کردن جایز نیست و هر فردی ناگزیر است از مریض احوالپرسی و دلیل ناخوشی وی را سوال کند."^۴ پس وجود چنین دانشی در میان یک ملت نشان از اعتلای دانش و فرهنگ و یکی از شاخصه های مهم پیشرفت در آن تمدن به شمار می رود. از این رو در این پژوهش سعی بر آن است تا با توجه به شواهد موجود اطلاعاتی در مورد پزشکان و شرح حال ایشان و نیز توضیحاتی از وضعیت پزشکی در ایران باستان، شامل دنیای اسطوره و نیز دوران تاریخی تا ۶۳۷ میلادی، مقارن با سقوط امپراطوری ساسانی و ورود دین مبین اسلام به ایران ارائه شود. اثبات وجود ساختار پزشکی ایران بی شک می تواند یکی از ادله مهم

- 1- Zargaran et al (a), 2012: 3-6.
- 2- Mohagheghzadeh et al, 2011: 18-23.
- 3- Sarmadi: 2000: 26
- 4- Herodotus: 2001: 96-7.



اهمیت و اعتلای دانش در دوره باستانی ایران باشد.

روش کار

جمع آوری اطلاعات در این پژوهش بر مبنای مطالعه آثار به جای مانده از ادوار باستانی اعم از ایرانی مانند گات های اوستا،⁵ ونیداد،⁶ دینکرد،⁷ کلیله و دمنه⁸ و غیر ایرانی نظیر آثاری از هردوت،⁹ گزنفون،¹⁰ پلوتارک،¹¹ کتزیاس،¹² دیودور سیسیلی¹³ و منابع دیگری از این دست و همچنین نتیجه پژوهش های متاخر می باشد.

با جمع آوری اطلاعات مورد نیاز طرحی از وضعیت پزشکان در ایران باستان شامل: ۱- پزشکی در زبان های باستانی ایران؛ ۲- جایگاه پزشکی در ایران باستان؛ ۳- انواع پزشکان، ۴- پزشکان ایرانی؛ ۵- پزشکان غیر ایرانی مقیم ایران و ۶- قوانین رایج پزشکی در ایران باستان طراحی گردید.

نتایج

پزشکی در زبان باستانی ایران

قبل از پرداختن به شرح حال پزشکان دوران باستانی ایران تعداد اندکی از لغات به جای مانده از زبان اوستایی (حدود ۱۰۰۰ ق.م.) و نیز دوران ساسانی (۲۲۴ - ۶۳۷ م) بررسی می شود.

در ونیداد از کتاب اوستا، کتاب دینی زرتشتیان، هر دسته از پزشکان به نام مخصوص خود نامیده شده است، از جمله گیاه پزشکان یا داروسازان (urvar ba š za)، کارد پزشکان یا جراحان (kareto ba š za) و نیز پزشک با کلام مقدس یا روان پزشک¹⁴ (b š z nit r m nsrspand). همچنین کلمه پزشک در زبان پهلوی ساسانی معادل های زیادی داشته است از جمله: (ba ašk, bazašk, bi ašk, bizašk) و نیز (b š z nit r). کلمه پزشکی نیز معادلاتی چون (b š z zih, bazaških, bi aških, bizaških, b š zih) داشته است. پزشکی کردن نیز دارای معادلی چون (b š zišnih kart rih) بوده است. همچنین کلمه درمان در زبان پهلوی (darm n, b š z nišnih) و (b š zišnih) خوانده می شده است و یا درمان بخش را (b š z) می خوانده اند. همچنین است کلمات درمانگری که (darm nih) و درمان سودمند که (nirmat darm n) نامیده می شده است.¹⁵ گستردگی این کلمات در زبان های اوستایی و پهلوی نشان از اهمیت و گستردگی پزشکی در آن دوران دارد چرا که این زبان ها ظرفیت لازم را برای دانش پزشکی داشته اند.

جایگاه پزشکی در ایران باستان

به علت کمبود منابع در دسترس، وضعیت اجتماعی پزشکان در اکثر دوره های باستانی ایران به درستی مشخص نیست اما از اندک شواهد به جای مانده می توان دریافت که در زمان هخامنشیان کورش کبیر سرسلسله امپراطوری هخامنشی برای پزشکی و جایگاه آن اهمیت خاصی قائل بوده است چنانچه گزنفون تاریخ نگار شهیر یونانی می گوید: "کوروش با اهتمام تمام در پی وسایل بهداشت بود و با انعامات بی دریغ بهترین پزشکان را به خدمت می گماشت و هرگاه آنها دارو و یا خوراک یا نوشیدنی خاصی را تجویز می کردند در فراهم ساختن آن کوتاهی نمی نمود و جهد بلیغ می فرمود که از این گونه اسباب و وسایل به اندازه وافی و کافی در دربار حاضر باشد."¹⁶ اما دانسته های ما در عصر ساسانی بیشتر است چنانچه می دانیم جامعه ایرانی به چهار طبقه تقسیم می شده اند:

"طبقه یکم: اسواران: آنها که زادگانند و شاهزادگان

طبقه دوم: ناسکان و خدمتگزاران آتشکده ها

طبقه سوم: پزشکان و نویسندگان و اخترشماران

طبقه چهارم: برزگران و مهان و آنها که در ردیف ایشانند"¹⁷

این موضوع نشان می دهد که طبقه پزشکان بالاتر از اصناف دیگر دوره ساسانی قرار داشته است. همچنین در دربار شاهان ساسانی نیز به دستور اردشیر بابکان درباریان به سه دسته زیر طبقه بندی می شدند:

"طبقه یکم اسواران و شاهزادگان؛ این طبقه به اندازه ۱۰ زرع از پرده (درگاه) دورتر می نشستند.

- 5- Pourdawoud, 2003.
- 6- Doustkhah, 2006.
- 7- Christensen, 2005.
- 8- Monshi, 2004.
- 9- Herodotus, 2001.
- 10- Xenophon, 2006.
- 11- Plutarch, 2001.
- 12- Fotius, 2001.
- 13- Siculus, 2005.
- 14- Zargaran et al (b), 2012: 255.
- 15- Farahvashi, 2002: 110-1, 230-1.
- 16- Xenophon, 2006: 321.
- 17- Jahez, 2007: 94.



طبقه دوم از نزدیکان و خواص شاه و ندیمان و همنشینانی تشکیل یافته بود که از دودمان بزرگ و دانشمندان سترگ بوده اند و به اندازه ۱۰ زراع از طبقه اول دور می نشستند.

طبقه سوم از ظرفا و بذله گویان تشکیل یافته بود¹⁸ می توان گمان برد پزشکان بزرگ نیز در زمره دانشمندان در طبقه دوم قرار داشته اند. همچنین از وقایع مهمی که اهمیت پزشکی عصر ساسانی را نشان می دهد آن است که در نیمه سلطنت خسرو انوشیروان به دستور وی انجمن عمومی پزشکان به منظور بحث و مطالعه درباره امور پزشکی تشکیل شد که محل آن در گندی شاپور و ریاست آن با سرچیس راس العینی در مقام درست پد ایران (رئیس پزشکان)، بوده است، بود. از اعضای مهم دیگر این مجمع ییادق و برزویه طیب ذکر شده اند.¹⁹

انواع پزشکان

با توجه به متون گذشته مشخص می شود انواعی از پزشکان در ایران باستان وجود داشته است که هر کدام در حیطه خاص خود مشغول فعالیت بوده اند. سه دسته اصلی پزشکان مطابق اوستا پزشک درمانگر با کلام مقدس یا روان پزشک، گیاه پزشک یا داروساز و کارد پزشک یا جراح بوده اند.²⁰ در این میان دسته اول، روحانی بوده و از اهمیت بیشتری نسبت به دیگران برخوردار بوده اند.²¹ دسته دوم نیز که آتراوان یا پاسداران آتش نیز نامیده می شدند، خود به دو گروه تقسیم می شده اند: درست پات که مسئول حفظ بهداشت و جلوگیری از شیوع بیماری ها بوده (علت بیماری را برطرف می کردند) و تن بشزک یا شفادهنده تن که درمانگر و بهبود دهنده بیماری ها بوده اند.²² در دوره ساسانی نیز درست بذ یا ایران درست بذ مقام رئیس پزشکان کل کشور (جسمانی) محسوب می شده است اما رئیس کل پزشکان اعم از جسمانی و روحانی دارای لقب زرنشتر و توم بوده که همان مقام موبد موبدان (بالا ترین مقام مذهبی کشور) بوده است.²³ همچنین از انواع پزشکان دیگر می توان به داد پزشک که همان پزشک قانونی است و یا ستور پزشک که همان بیطار و یا دامپزشک است اشاره نمود.²⁴ همچنین مقامی به نام زهر کرتار مسئول ساخت زهر احتمالاً برای پادشاهان بوده است.²⁵ که البته با توجه به ماهیت اخلاق پزشکی، در دسته پزشکان طبقه بندی نمی شود، اما اهمیت آن در مهارت کار با زهرها است.

پزشکان ایرانی

گرد آوری اسامی پزشکان از میان متون کهن ایرانی و یونانی و حتی اسطوره ای دارای اهمیت بسزایی است و نشان دهنده وجود پزشکان شاخصی است که نامشان علی رغم از دست رفتن سایر شواهد پزشکی، پس از هزاران سال ماندگار مانده است. در این بخش سعی شده است با رعایت تقدم تاریخی مورد بحث قرار گیرند.

تریتا

در اوستا اولین پزشک و کسی که مرض و مرگ و زخم دشنه (سلاح) و تب را از بدن ها بر طرف کرده تریتا نام دارد. وی به جستجو گری پرداخته و در مقابل، امشاسپند شهریور نیز داروها و شیوه های درمان را جهت مبارزه علیه بیماری، مرگ، درد، تب، ناخوشی، پوسیدگی و گندیدگی، به وی بخشیده است.²⁶ تریتا می تواند سمبل و اسطوره پزشکی ایران به شمار رود.²⁷ همچنین در کتب مقدس زرتشتیان آمده است که اهورا مزدا کارد مرصعی را به تربته عنایت کرده تا با آن عمل جراحی انجام دهد. به طور کلی تربته نماد یک پزشک کامل و حاذق به شمار می رود که از خواص گیاهان دارویی و عصاره و فشرده آنها اطلاع داشته است.²⁸

ایما (جمشید)

ایما نیز از پزشکان باستانی ایران است که به نظر می رسد شخصیت او منطبق بر جمشید شاهنامه باشد،²⁹ ایما توانسته است بیماران مبتلا به امراض پوستی و استخوانی و دندانی را از افراد سالم جدا کند.³⁰ در شاهنامه نیز به تبجر جمشید در پزشکی اشاره شده است:

دگر بویهای خوش آورد باز که دارند مردم به بویش نیاز

18- Ibid: 93.

19- Sarmadi, 2000: 183.

20- Zargaran et al, 2008: 91-121.

21- Zargaran et al (b), 2012: 255.

22- Elgood, 2007: 29.

23- Christensen, 2005: 436.

24- Najmabadi, 1992: 256.

25- Mohagheghzadeh et al, 2006: 50-82.

26- Doustkhah, 2006: 875-6.

27- Zargaran et al (a), 2012: 3-6.

28- Najmabadi, 1992: 112.

29- Nafisi, 1985.

30- Najmabadi, 1992: 111.



چو بان و چو کافور و چون مشکک ناب چو عود و چو عنبر چو روشن گلاب
پزشکی و درمان هر دردمند در تندرستی و راه گزند
همه رازها نیز کرد آشکار جهان را نیامد چنو خواستار³¹
جمشید پادشاه کیانی ایران فرزند طهمورث است، که وی علاوه بر تاج شاهی، از
فره ایزدی و مقام موبدی نیز برخوردار بوده است.
منم گفت با فره ایزدی همم شهریاری و هم موبدی³²
جمشید هفتاد سال بر ایران حکم راند و در پایان سلطنتش از خدای روی گردان شد.
از این رو فره ایزدی او از بین رفت و سرانجام توسط ضحاک از سلطنت خلع و
کشته شد.³³

تراتئونا (فریدون)

تراتئونا از پزشکان باستانی ایران، احتمالاً همان فریدون شاهنامه می باشد.³⁴
تراتئونا ستاره شناس و سازنده هوم و تریاق بوده³⁵ و مانند تریتا بر ضد خارش،
تب و ضعف پیا خاسته است.³⁶ در فروردین پشت فقره ۱۳۱ آمده است که "فروهر
پاک دین فریدون از خاندان آبتین را می ستائیم از برای ایستادگی بر ضد گری و
تب سرد...".³⁷ فریدون بر ضد ضحاک (نماد اهریمن) پیاخاست و او را از سلطنت
برکنار کرده در کوه دماوند به بند کشید و خود بعد از آن پانصد سال با نیک نامی
و عظمت سلطنت کرد.
و را بد جهان سالیان پانصد نیفکنند یک روز بنیاد بد³⁸

زردتشت

پیامبر بزرگ باستانی ایران و پایه گذار مذهب زرتشتی است. گرچه وی پزشک
نبوده اما در کتب دینی زردتشتیان به درمان اسب کی و ویشتاب توسط او اشاره
شده است،³⁹ آموزهای دینی او حول محور بهداشت بسیار ارزشمند بوده و بیشتر
بر پایه پیشگیری از بیماری است تا درمان. در این راستا مکتب پزشکی مزدیسنا
بر پایه پیروی از دستورات زردتشت بوده است.⁴⁰ به نظر می رسد که وی اهل
آتروپاتن (آذربایجان کنونی) بوده و دعوت خود را تا به شرق کشور نزد کی
ویشتاب، شاه کیانی برده و مورد پذیرش و استقبال این شاه ایرانی واقع شده است
و بدینسان آموزه های دینی خود را در ایران گسترش داده تا جایی که مذهب
رسمی ایران حداقل از زمان داریوش هخامنشی تا پایان دوران ساسانیان (بیش از
هزار سال) زردتشتی بوده است.⁴¹

جاماسب

جاماسب حکیم، پزشک و دانشمند بزرگ ایرانی از بزرگان دربار کی ویشتاب و
از اولین یاران زردتشت پیامبر به شمار می رود. جاماسب همچنین داماد زردتشت
پیامبر بوده و در وهیشتواشت گات یسنا ۵۳ می خوانیم "اینک تو ای پورو چیست
(دختر زرتشت) و دودمان سپنتمان ای جوانترین دختر زردتشت او (زرتشت) با
منش پاک و راستی و مزدا از برای تو (جاماسب را) که باور دینداران است برگزید
اکنون برو با خردت مشورت کن با اندیشه پاک مقدس ترین اعمال پارسایی را
بجای آور".⁴² همچنین بلعمی، وزیر دانشمند سامانیان در قرن چهارم هجری، از او
با عنوان حکیم جاماسب یاد می نماید که دارای کتبی در طب، هندسه و حکمت
بوده است.⁴³ و نیز ابن ندیم وی را از جمله چهل و نه فیلسوفی به شمار می آورد
که در علم کیمیا تبحر داشته و آنها را اکسیر سازان کامل توصیف نموده است
که دیگران نتوانسته اند به این مرحله از علم کیمیا دست پیدا کنند.⁴⁴ گشتاسب در
کتاب یادگار زریران در برشمردن فضائل جاماسب، تبحر وی را در گیاه شناسی
چنین توصیف می کند: "نیز دانی که گیاهان (اوروران) [چون] بشکند گل
کدام روز بشکند آن کدام شب آن کدام فردا".⁴⁵ از کتب باستانی کتابی با
عنوان جاماسب نامه منسوب به جاماسب حکیم به جای مانده که شامل پرسش و
پاسخهایی میان کی گشتاسب و جاماسب در مورد آفرینش است. مقبره این حکیم
امروزه در بلوک خفر از بخش های شهرستان جهرم در استان فارس است.⁴⁶

سننا پور اهوم ستوت

پایه گذار مکتب پزشکی اکباتان و از شاگردان زردتشت پیامبر بوده است.

- 31- Ferdowsi, 2008: 27.
- 32- Ibid
- 33- Ibid: 28-9.
- 34- Nafisi, 1985: 38.
- 35- Najmabadi, 1992: 111.
- 36- Nafisi, 1985: 38.
- 37- Najmabadi, 1992: 112.
- 38- Ferdowsi, 2008: 37.
- 39- Hinz, 2006: 88.
- 40- Tajbakhsh, 2000.
- 41- Zargarani et al, 2008: 91-121.
- 42- Pourdawoud, 2003: 249.
- 43- Bala'mi, 2006: 470.
- 44- Rafei, 2005: 60.
- 45- Yadegar-e-Zariran, 2008: 54.
- 46- Rafei, 2005: 60.



پلوتاریک در کتاب خود متذکر گردیده است که در مکتب سده اکباتان، که شخصاً بدان راه یافته بوده، حکمت، نجوم، طب و جغرافیا تعلیم داده می‌شده و ۱۰۰ دانشجو در آن به تحصیل مشغول بوده‌اند.⁴⁷

آزوتکس

یکی از دانشمندان ایران در دوره اشکانیان که متبحر در علوم طب و شعبه بوده است.⁴⁸

بزرگمهر حکیم

دانشمند، حکیم، وزیر و مشاور خسرو انوشیروان ساسانی است که آثار زیادی در پند و حکمت از وی باقی مانده است.⁴⁹ با دقت در آثار و پندهای به جا مانده از وی می‌توان دریافت آثار وی مملو از راه کارهای بهداشتی و تغذیه‌ای است.⁵⁰

برزویه طبیب

برزویه، رئیس اطباء شاهی در دوران خسرو انوشیروان ساسانی است. وی در معرفی خود در باب برزویه در کتاب کلیله و دمنه که در سفری تحقیقاتی به هند آن را به ایران آورده و به زبان پهلوی ساسانی ترجمه کرده است پدر خود را از لشکریان و مادرش را از خاندانی منتسب به علمای زرتشتی می‌داند. وی در سن ۷ سالگی به آموختن طب مشغول می‌شود و بعد از پایان دوران تحصیل با اعتقاد به اصول مقدس حرفه پزشکی در نجات انبیا بشر برای رضای الهی کار خود را آغاز می‌کند و پس از چندی با توجه به مهارت بالا و اخلاق پزشکی راستین خود تا بالاترین پله‌های ترقی صعود کرده نهایتاً به سمت رئیس پزشکان ایران منسوب می‌شود. او از سوی خسرو انوشیروان به سفری تحقیقاتی به هند نیز اعزام می‌شود. وی در بازگشت از این سفر کتاب‌های زیادی را به ایران می‌آورد و به زبان پهلوی ساسانی ترجمه می‌کند که کلیله و دمنه از جمله آنهاست.⁵¹

خرّاد بُرزین

پس از شکست و فرار بهرام چوبین مقابل خسرو پرویز ساسانی، وی به چین پناهنده می‌شود. خرّاد بُرزین از طرف شاه ایران برای بازگرداندن و یا کشتن بهرام مامور می‌شود. در این میان وی که گویا پزشکی حاذق نیز بوده، جهت نزدیک شدن به ملکه چین درمان دختر وی را که پزشکان چینی از درمان آن درمانده شده بودند به عهده می‌گیرد و وی را درمان می‌نماید.⁵²

فهلمان (بهلان)

پزشکی در عصر ساسانی است که در عربی به نام های القلّه‌مان و القهلّمان نیز خوانده شده و کتابی به نام "درمان‌های ساده" به وی منسوب است.⁵³ در بعضی منابع طب سنتی نظیر الصیدنه فی الطب ابوریحان بیرونی و الحاوی رازی نام وی آمده و از او نقل قول شده است. ابن سینا نیز در قانون به پزشکی به نام فهلماز اشاره کرده که از پارسیان بوده است.⁵⁴ و می‌تواند اشاره به همین فرد باشد. از سوی دیگر با توجه به این نکته که جندی شاپور پس از فتح توسط مسلمین به حیات علمی خود ادامه داده⁵⁵ می‌توان گمان برد که فهلمان در این دانشگاه بوده و یا آثار وی در این مرکز علمی نگهداری می‌شده که ۲ قرن بعد مورد استفاده دانشمندانی چون رازی قرار گرفته است.

پزشکان خارجی مقیم ایران

مطابق متون باقی مانده تعداد زیادی از پزشکان و دیگر دانشمندان ملل مختلف در دربارهای ایران وجود داشته و به ارائه خدمت و یا تدریس در مراکز علمی مشغول بودند. از جمله این پزشکان می‌توان به اوچاهور، دموکدس، ژیهو که، آپولینیدس، کتزیاس، تئودوسیوس، استفن رهاوی، تریونوس، اورانیوس، سرجیس راس العینی، گابریل، پولیکرتوس و تیادوک اشاره نمود.

اوچاهور

اوچاهور از کاهنان مصری (کاهن نئیت در سائیس) دربار پساتیخ و فرمانده

- 47- Sarmadi, 2000: 26.
- 48- Najmabadi, 1992: 330.
- 49- Christensen, 2005.
- 50- Zafarnameh, 2004.
- 51- Monshi, 2004: 44-58.
- 52- Ferdowsi, 2008: 662.
- 53- Ulman, 2004: 37.
- 54- Biruni, 2004: 349, 916.
- 55- Elgood, 2007: 69.



ناوگان دریایی مصر در هنگام حمله سپاهیان ایران به این کشور، در زمان کمبوجیه هخامنشی بود، که در این نبرد وی به شاه ایران پیوسته و کمبوجیه را در فتح مصر یاری داد. بعدها او در زمان داریوش کبیر پزشک مخصوص شاه و مشاور وی در امور مصر شد.⁵⁶ مجسمه معروف وی به نام مجسمه حامل معبد نام دارد و قسمتی از کتیبه منقوش بر آن به خط هیروگلیف بدین مضمون است: "آنگاه اعلیحضرت داریوش شاه فرمان دادند به موطنم مصر بازگردم و بخش (پزشکی) خانه های زندگی را بعد از خرابی باز سازم..."⁵⁷ این مجسمه در سالهای سوم و چهارم سلطنت داریوش در معبد نئیت قرار داشته است و امروزه نیز در موزه واتیکان نگهداری می شود.⁵⁸

دموکدسی

وی از پزشکان یونانی است که در ماجرای سرکوب شورش ۱۲ شهر یونانی نشین دریای اژه علیه داریوش اول هخامنشی در سارد به اسارت ایرانیان در می آید و بعد از افشای هویتش به دربار ایران اعزام می شود،⁵⁹ بعدها وی در رفتگی پای داریوش اول هخامنشی و نیز غده سینه آتوسا، ملکه ایران را درمان می کند.⁶⁰

ژیوه که

داریوش اول هخامنشی از ۳۰ ژوئیه تا ۲۶ سپتامبر (۱۰ بهمن تا ۴ مهر) ۴۹۴ ق.م. دچار درد شدیدی در ناحیه پا می شود که سرانجام توسط این شخص درمان می گردد. ژیه که (به معنی زنده) مرهم ساز بابلی بوده که ۶ سال قبل از این تاریخ به دربار ایران فراخوانده شده است.⁶¹

آپولونیدس

پزشکی یونانی اهل کوس بوده است. مگابیز، از بزرگان پارس و یاران شاه، در فتنه اردوان علیه اردشیر اول هخامنشی، به شدت مجروح گشته و با مداوی مداوم این پزشک کوسی درمان می شود.⁶² بعدها او به علت شیفتگی نسبت به شاهزاده هخامنشی، آمیتیس علی رغم بیماری زهدان وی، معاشرت با مردان را برای او تجویز نموده و بدین سان تا مدتی با وی ارتباط داشت تا آنجا که حال شاهزاده رو به وخامت می نهد و فریب و شرارت این پزشک یونانی آشکار می گردد. در نهایت وی به مجازات این عمل غیر انسانی جان خود را از دست می دهد.⁶³

کتزیاس

کتزیاس در شهر کنید یونان در خانواده ای اشرافی تولد یافته و در همان جا به تحصیل و فراگیری پزشکی می پردازد. سپس به دربار ایران آمده و طبیب مخصوص پروشات مادر اردشیر دوم هخامنشی و نیز خود اردشیر می شود. اقامت او در ایران به قولی بین سالهای ۳۹۸ تا ۴۰۵ ق.م. بوده⁶⁴ و به روایتی ۱۷ سال طول کشیده است.⁶⁵ سرانجام به دستور اردشیر به عنوان سفیر به اسپارت اعزام می شود اما در میان راه در شهر موطنش با سایر همسفران دچار اختلاف شده، ترک سفر می کند و ماباقی عمر را در کنید به سر می برد. در این مدت در شهر محل تولدش کتابی در مورد تاریخ ایران می نویسد که امروز تنها خلاصه ای از آن به قلم فوتیوس باقی مانده است.⁶⁶

پولیکرتوس

پولیکرتوس، پزشک اهل میندا و مقارن با زمان اردشیر دوم هخامنشی، در دربار ایران بوده است.⁶⁷

تئودوسیوس (تئودروس)

تئودوسیوس پزشک شاپور دوم ساسانی و اقامتگاه وی شهر گندی شاپور بوده است.⁶⁸ کتابی با عنوان خلاصه طب به زبان پهلوی و نیز کتاب الحجاره به وی منسوب است. وی در سال ۳۱۰ متولد و در ۳۷۹ وفات می یابد.⁶⁹

استفن رهاوی

استفن پزشک قباد ساسانی و از مریبان خسرو انوشیروان، پسر قباد در سنین جوانی

- 56- Gershevitch, 2006: 28-9.
57- Hinz, 2006: 191.
58- Gershevitch, 2006: 378.
59- Ibid: 131.
60- Herodotus, 2001: 243.
61- Hinz, 2006: 191.
62- Fotius, 2001: 74.
63- Ibid: 87.
64- Ibid: Introduction.
65- Siculus, 2005: 148.
66- Fotius, 2001: Introduction.
67- Plutarch, 2001: 214.
68- Takmil Homaioon, 2005: 56.
69- Soltani, 2010: 17-32.



بوده است.⁷⁰

تریبونوس

تریبونوس از پزشکان قباد و پس از وی مورد توجه خسرو انوشیروان بوده است، تا آنجا که شاه به وی اجازه داد در ازای خدماتی که انجام داده، هر چه می خواهد تقاضا نماید. تریبونوس نیز آزادی ۳۰۰ اسیر رومی را طلب نمود که به دستور خسرو آزاد گشتند.⁷¹

اورانیوس

اورانیوس طبیب و حکیم سریانی، معلم فلسفه خسرو انوشیروان ساسانی بوده است.⁷²

سرجیس رأس العینی (جبرئیل)

سرجیس پزشکی سریانی و مدتی درست بڈ (رئیس پزشکان ایران) در زمان خسرو انوشیروان بوده است. وی در دانشگاه گندی شاپور اجازه نامه های پزشکی را صادر می کرده⁷³ و نیز رئیس انجمن عمومی پزشکان در این دانشگاه بوده است.⁷⁴ این پزشک سرانجام در سال ۵۳۶ میلادی چشم از جهان فرو بست.⁷⁵ از آثار وی، کتابی در استسقا بوده است.⁷⁶

تیادوک

تیادوک یا بیادق، عضو مجمع عمومی پزشکان دوران خسرو انوشیروان است که پندهایی از وی در باب سلامتی به انوشیروان توسط ابن سینا به صورت منظوم به عربی ترجمه شده و امروز در دست می باشد.⁷⁷

گابریل

گابریل درست پات دوران خسرو پرویز است که توانست نازایی شیرین همسر خسرو را درمان کند. وی از پیروان فرقه یعقوبیه بوده است.⁷⁸

حارث بن کلد

پزشک عرب اهل طائف است که مدتی را در پارسه⁷⁹ و بعد از آن در جندی شاپور به تحصیل پزشکی پرداخته است. وی مقارن با حضرت رسول اکرم (ص) بوده و بعد ها بزرگترین طبیب عربستان می گردد.⁸⁰

قوانین رایج پزشکی در ایران باستان

با بررسی متون کهن ایرانی نکاتی از قوانین و رسوم رایج مرتبط با علوم پزشکی قابل استخراج است که به تفکیک مورد بررسی قرار می گیرد.

اجازه نامه طبابت

در فرگرد ۷ از وندیداد، بندهای ۳۶ الی ۴۰ شرط دریافت مجوز طبابت را برای دانشجویان پزشکی که دوره آموزش خود را سپری کرده اند، درمان ۳ دیوپرست با کارد (جراحی) اعلام شده که اگر ایشان موفق شوند آن سه نفر را درمان کنند اجازه طبابت خواهند یافت ولی اگر آن ۳ بمیرند حق طبابت نخواهند داشت و در صورت طبابت مجازات ایشان مرگ ذکر شده است.^{81,82} این موضوع نشان دهنده وجود آزمون بالینی پایان دوره طبابت و همچنین قوانین پزشکی و نظارتی بر امور پزشکی دارد. در دوران ساسانی نیز یک نوع شهادتنامه و اجازه نامه جهت طبابت به اطبا داده می شده است.⁸³ همچنین برای تحقیقات پزشکی و احتمالاً آزمون های بالینی پزشکی از محکومین به اعدام استفاده می شده است. در این رابطه در دینکرد آمده است: "مجرمان و جانیان مستحق اعدام را، برای استفاده طبی زنده نگه می داشتند."⁸⁴

دستمزد پزشکان

قوانین مرتبط با دستمزد پزشکان در ایران باستان متناسب با وضعیت مالی و مرتبه شغلی بیمار تعریف می شده که خود نکته ای حائز اهمیت است که موجب می

- 70- Sarmadi, 2000: 178.
- 71- Ibid
- 72- Christensen, 2005, 415.
- 73- Takmil Homaioon, 2005: 62.
- 74- Sarmadi, 2000: 183.
- 75- Takmil Homaioon, 2005: 62.
- 76- Soltani, 2010: 17-32.
- 77- Jahez, 2007: 247-9.
- 78- Najmabadi, 1992: 357.
- 79- Sarmadi, 2000.
- 80- Elgood, 2007: 88.
- 81- Doustkhah, 2006: 736.
- 82- Zargaran et al, 2008: 91-121.
- 83- Christensen, 2005, 434.
- 84- Ibid



شده تمام اقشار جامعه از خدمات پزشکی بهره مند شوند. در این مورد در نندیداد، فرگرد ۷، نحوه دریافت اجرت پزشکان اینچنین توضیح داده می شود: "بند ۴۱: پزشک باید موبد را در برابر آفرین و آمرزش خواهی وی، خانه خدا را به ارزش ورزاه (گاو نر) کم بهایی، دهخدا را به ارزش ورزاه میانه بهایی، شهربان را ارزش ورزاه پر بهایی و شهریار را به ارزش گردونه چهار اسبه درمان کند. بند ۴۲: بانوی خانواده را به ارزش ماده الاغی، همسر دهخدا را به ارزش ماده گاو، همسر شهربان را به ارزش مادیانی و شهربانو را به ارزش ماده اشتری درمان کند."⁸⁵

قوانین مدنی در هنگام بیماری های واگیردار

در ایران باستان به جدا نمودن افراد مبتلا به بیماری های واگیردار از افراد سالم اقدام می نمودند چنانچه هردود متذکر می شود: "کسانی که امراض جلدی مانند پسه دارند باید از معاشرت با دیگران خودداری کنند."⁸⁶

قوانین و رسوم مرتبط با پزشکی در سرای شاهان

در دربار پادشاهان نیز رسومات و قوانین مخصوصی در رابطه با پزشکی وجود داشته است که در ادامه به چند مورد از آن در عصر ساسانی اشاره می شود: "به چند مورد با شهریاران نباید انباز شدن: یکی به گاه رگ زدن و دیگری خون گرفتن و سه دیگر به دوا نوشیدن، چو به دربار پادشاهان با چنین کاری مبادرت جستن و به یک روز با ایشان درین سه، شرکت کردن موجب مکافات و مایه بادافرا بوده است. زیرا که سلطان چون به درمان و معالجت پیردازد دیگران را نرسد که با خویشان پیردازند و از شهریار خود به غفلت گذرانند."⁸⁷ و "آورده اند که به عصر خسرو انوشیروان صحت و سلامت شاهنشاه اعلام می گردید و این مداوا را (بر حسب احکام نجوم) به روز شنبه موكول می داشتند."⁸⁸ همچنین هیچ یک از نزدیکان پادشاه را نرسیده است که در بیماری ها (به شب یا به روز) وی را عیادت کنند مگر آنکه پادشاه خود اجازت فرماید یا کسی را احضار کند، تا آنجا که اتاق دار پادشاه نیز نتواند نام واردین را گذاره کردن یا برای کسی بارخواستن مگر آنکه پادشاه خود بدین قبیل فرمان دهد. "بار یافتن سه طبقه درباریان نیز آدابی داشته و به ترتیب موقعیت ایشان بار می یافتند."⁸⁹ در دوران های مختلف اطبا در دربار از امتیازات خاصی برخوردار بودند از جمله به جز پزشکان مخصوص دربار هیچ کس اجازه ورود به حرم نداشتند است."⁹⁰ (تصویر ۱)



تصویر ۱. تصویری خیالی از پزشک بر بالین کیکاووس در هنگام مرگ در شاهنامه

85- Doustkhah, 2006: 736-7.

86- Herodotus, 2001: 76.

87- Jahez, 2007: 167-8.

88- Ibid: 168.

89- Ibid: 205-6.

90- Gershevitch, 2006: 28-9.

قوانین قضایی مرتبط با پزشکی

دادگاه های ایران از زمان هخامنشی دارای اهمیت ویژه ای بوده و رعایت کامل عدالت همواره از نکات بسیار مهم و دغدغه حکومت بشمار می رفته است چنانچه خشایارشا، سیسامنس، یکی از داوران شاهی را به جرم رشوه خواری و اختلال در کار عدالت اعدام نموده و با پوست وی کرسی دادگاه را روکش نمود. پس از آن پسر وی، اتانس را بر آن کرسی بر مسند قضاوت نشاند به وی تاکید نمود همواره به یاد داشته باش که روکش کرسی دادگاه از چه جنسی ساخته شده است.⁹¹ در دوره ساسانی نیز سیستم قضایی ایران بسیار پیشرفته بوده است و در آن متهم و شاکی می توانستند از وکیل مدافع در دادگاه بهره جویند. در این مورد در کتاب ماتیکان هزار داتستان، مجموعه قوانین قضایی دوران ساسانی آمده است: "افراد می توانند شخصا داخل در معاملات یا محاکمات شده یا شخص دیگری را و کالتا از جانب خود انتخاب نمایند" و نیز "وکیل باید صلاحیت قانونی داشته و طبق مقررات رسمی انتخاب شود"⁹² و در جایی دیگر متذکر می شود: "قاضی هنگامی می تواند وکالت شخصی را برای دفاع یکی از طرفین دعوی بپذیرد که از آن شخص متهم وکالت نامه در دست داشته باشد"⁹³.

مجازات زهر دهندگان

پلوتارک مجازات زهر دهندگان در دوران هخامنشی را این چنین توصیف می کند: "سنگ پهنی است که سر زهر دهنده را روی آن گذارده سپس با سنگ دیگری آن را چندان می کوبند و می ساینند که همه سر و روی کوفته شده تیکه تیکه می گردد"⁹⁴.

سقط جنین

سقط جنین مطابق اوستا در آموزه های زرتشتی ممنوع بوده و مجازات آن چه کودک مشروع باشد یا نباشد مرگ عنوان شده است، همچنین گناه آن به طور مساوی بر گردن مرد و زن کناهکار و کسی که عمل سقط را انجام می دهد ذکر شده است.⁹⁵

پزشکی قانونی

در مورد قوانین ضرب و جرح نیز مطابق اوستا بر اساس نوع استفاده از سلاح و میزان صدمه، انواع جرائم مرتبط و میزان مجازات تعیین شده است. از جمله این جرائم می توان به جرم بلند کردن سلاح (کسی بر کسی سلاح بلند کند و وی را بترساند)، رو به زخم (اگر به طرف کسی پرود ولی زخم نزند) و زخم آور (اگر با نیت سوء و کینه شخص را بزند) اشاره کرد. همچنین "زخم آور" خود به چند دسته زخم خطرناک، زخم هایی که از آن خون جاری شود، زخم های استخوان شکن و زخم بیهوش کننده تقسیم شده که انواع میزان مجازات آن ها بر اساس حد (ضربه تازیانه) مشخص شده است.⁹⁶ در دوران ساسانی نیز مطابق قانون در درجه اول "تصمیمات قضایی یا فتاوی صنفی (ویچار) از طرف روسای اصناف باید طبق احکام و فرمان پادشاهان به عمل آید"⁹⁷. در مورد موارد جرح و زخم نیز تذکرات زیر در مجموعه قوانین مدنی ایشان آمده است:

"فصل ۳۸- بند ۲۲- در مورد ایراد ضرب، قاضی باید محل ایراد و چگونگی ضرب و شخصیت ضارب و مضروب و علت ضرب را در نظر بگیرد.
بند ۲۳- در مورد زخم عمیق و خونریزی و قطع یا شکسته شدن اندام یا کنده شدن موی یا شکنجه کردن طرف، قاضی باید دقت کند تا در قضاوت گمراه نشود.

بند ۲۶- ... و در مورد ایراد ضرب یا زخم یا تولید صدمات جسمی علاوه بر پرداخت دیه به طرف یا خویشان او محکمه باید مقصر را نیز به کیفر رساند"⁹⁸.
به نظر می رسد رسیدگی به این امور بر عهده دادپزشک بوده است.

جادوگری و پزشکی

از جمله قوانین مرتبط با جادوگری می توان به مواردی مانند آنچه در ادامه آمده است اشاره نمود: "دارائی جادوگرانی که به وسیله اعمال جادوگری ضرری به کسی رسانیده باشند متعلق به شخص متضرر خواهد بود"⁹⁹ و نیز "به گردن متهم به

- 91- Herodotus, 2001: 303.
- 92- Shahrzadi, 2007: 62-3.
- 93- Ibid: 129.
- 94- Plutarch, 2001: 212.
- 95- Zargaran et al, 2008: 91-121.
- 96- Najmabadi, 1992: 276-8.
- 97- Shahrzadi, 2007: 69.
- 98- Ibid: 116-7.
- 99- Ibid: 127.



جادوگری باید طوقی آویخت تا همه کس او را بشناسد.¹⁰⁰ این موارد از سویی نشان دهنده این می باشد که عمل جادوگری در جامعه عصر ساسانی نكوهیده بوده و از سوی دیگر وابستگی با دین نداشته است، چرا که در این صورت وجود چنین قانونی در حکومت دینی ساسانیان بعید به نظر می رسیده و با توجه به قرابت امور پزشکی و دینی (وجود طبقه b š z nit r m nsrspand [پزشک با کلام مقدس یا روان پزشک] که از طبقه روحانیون بوده اند و در قسمت انواع پزشکان ذکر گردید) می توان ادعا نمود دانش پزشکی کاملاً از امور جادوگری در ایران ساسانی عاری بوده و جنبه روحانی داشته است.

بحث و نتیجه گیری

وجود پزشکان بزرگ ایرانی نشان دهنده وجود و اعتلای دانش پزشکی ایران باستان است، این مهم از سویی سند تاثیر ایرانیان در تکوین تاریخ پزشکی دنیا و از سوی دیگر اسناد هویت ملی به شمار می رود چنانچه می توان در بسیاری موارد معادل های فارسی را جانشین افراد یونانی ای نمود که مستشرقین غربی قرن ها است به عنوان سردمداران علم در تاریخ معرفی کرده و بدین سان یزرگان دانش ایران را در انزوا قرار داده اند، از جمله این موارد جایگزینی تریتا با اسکولیپوس یونانی به عنوان پدر دانش پزشکی و جاماسب حکیم به جای جالینوس به عنوان پدر داروسازی است و جالب آنکه معادل های ایرانی در هر دو مورد کهن تر از معادل های یونانی بوده و لذا برای احراز عناوین یاد شده محق تر هستند. مطب مهم دیگر وجود تعداد زیادی از پزشکان غیر ایرانی در دربارهای هخامنشی و ساسانی است، این مهم گرچه در نگاه اول شاید این تفکر را به ذهن آورد که پزشکان ایرانی مورد توجه نبوده و یا ناتوان بوده اند اما با اندکی تامل در منابع و وضعیت ایران در آن دوران می توان توجه بهتر و مقرون به حقیقت تری یافت، چنانکه در کتاب هشتم دینکرد در مورد حمایت همه جانبه ایرانیان از پزشکان ایرانی در مقابل همتای بیگانه آنها چنین آمده است: "اگر کسی با این که به طب ایرانی دسترسی داشت، به یک نفر طبیب بیگانه رجوع می نمود، گناهی مرتکب شده بود."¹⁰¹ از این رو اهمیت پزشکان ایرانی نزد ایرانیان به خوبی مشخص می شود. از سوی دیگر وجود پزشکان خارجی مقیم ایران را با در نظر گرفتن بعد مسافت و سختی سفر جز در مطلوب بودن شرایط و محیط ایران برای ایشان و حمایت های سیستم حکومتی ایران از دانش پزشکی و پزشکان نمی توان دانست، بی شک اگر حتی موقعیتی مشابه به خصوص در یونان برای ایشان موجود بود دلیلی برای ترک وطن نداشته و این تعداد پزشک برجسته یونانی در ایران وجود نداشت. همانطور که امروزه نیز کشورهای پیشرو در دانش و دانشگاه های بزرگ محل جذب دانشمندان از اقصی نقاط دنیا هستند. از این رو در چنین حالتی ناتوانی پزشکان ایرانی نیز قابل قبول به نظر نمی رسد بلکه مساعد بودن شرایط علمی ایران و ثبات سیاسی آن موجب جذب و اقامت پزشکان غیر ایرانی در ایران گشته بود، چنانکه یک مورد آن به طور صریح در تاریخ ذکر شده و آن پناهنده شدن هفت دانشمند یونانی پس از بسته شدن مدرسه آتن به دستور یوستی نیان امپراطور روم، به دربار خسرو انوشیروان ساسانی در سال ۵۲۹ میلادی است که مورد پذیرایی و حمایت کامل شاه ایران قرار گرفتند.¹⁰² همچنین در کنار موارد بالا این نکته نیز حائز اهمیت است که در ایران برخلاف دیگر قدرت های منطقه، آزادی عقاید و مذهب اجازه حضور آزادانه و پذیرفته شدن دانشمندان در ایران را می داده است چنانچه می توان آزادی عقاید در حکومت هخامنشی و از سوی ایشان بر ملل تابعه¹⁰³ و یا آزادی عقاید در دانشگاه جندی شاپور را گواه این مدعا دانست.¹⁰⁴

از توضیحات فوق به خوبی جو آزاد اندیش، علمی و حمایت دولت های ایرانی از دانش را می توان دریافت؛ که این عوامل بی شک از علل مهم مهاجرت پزشکان به سوی ایران و اعتلای علمی آن بوده است. از سوی دیگر وجود ساختار منسجم نظام پزشکی ایران از زمان هخامنشی و وجود طبقه ای خاص با جایگاه برتر نسبت به اصناف دیگر در دوره ساسانی به خوبی نشان از اهمیت پزشکی و درک جایگاه مهم آن در جامعه ایران دارد. همچنین وجود قوانین و انواع پزشکان گواه محکمی بر وجود چنین ساختاری است که دال بر گستردگی و تکامل ساختار پزشکی ایران باستان دارد. در پایان امید است این پژوهش مطالعاتی و پژوهش هایی از این دست هرچه بیشتر به روشن نمودن جایگاه ایران در سیر تکوین تاریخ پزشکی جهان

100- Ibid: 117.

101- Christensen, 2005, 407.

102- Christensen, 2005, 442-3.

103- Wiesehöfer, 1998.

104- Gershevitch, 2006: 131.



کمک نموده و هر چه بیشتر گوشه های تاریک و ابهام آلود آن را روشن نماید.

References

- Anonymous. [*Yadegar Zariran*]. Translated by Mahyar Navabi Y. Tehran: Asatir. 2008. [in Persian]
- Anonymous. [*Zafarnameh*]. Corrected by Sedighi GH. Hamedan: Bu Ali Sina University. 2004. [in Persian]
- Bala'mi AMM. [*Bala'mi's history*]. Corrected by Bahar MT. Tehran: Zavar. 2006. [in Persian]
- Biruni A. [*Al Seydaneh fi al Teb*]. Translated by Mozafarzadeh B. Tehran: Academy of Persian Litreture. 2004. [in Persian]
- Christensen AE. [*L'Iran sous les Sassanides*]. Translated by Yasemi R. Tehran: Doniaie Ketab. 2005.
- Doustkhah J. *Avesta*. Tehran: Morvarid. 2006. [in Persian]
- Elgood CL. *A medical history of Persia and the eastern caliphate*. Translated by Forghani B. Tehran: Amir Kabir. 2007. [in Persian]
- Farahvashi B. *Persian to Pahlavi encyclopedia*. Tehran: Tehran University. 2002. [in Persian]
- Ferdowsi A. [*Shahnameh*]. Tehran: Elham. 2008. [in Persian]
- Fotius. *The abstract of Ketziar's history*. Translated by Khalili K. Tehran: Karang. 2001.
- Gershevitch I (ed.) *The Cambridge history of Iran (Achaemenid period)*. Translated by Saghebfar M. Tehran: Jami. 2006. [in Persian]
- Herodotus. *Histories*. Translated by Mazandarani V. Tehran: Afrasiab. 2001. [in Persian]
- Hinz W. [*Darius and die Perser*]. Translated by Sadrieh A. Tehran: Amir Kabir. 2006. [in Persian]
- Jahez AOB. [*Taj*]. Translated by Nobakht H. Tehran: Ashianeh Ketab. 2007. [in Persian]
- Mohagheghzadeh A, Morowat MH, Ghasemi Y, Shams Ardekani MR. [Kankashi dar Oloom e Pezeshki e Bastani Iran]. In: *Article Collections of the Honor of Prof. Dr. Mohareri*. Tehran: Iranian Academy of Medical Sciences Publications. 2006. [in Persian]
- Mohagheghzadeh A, Zargaran a, Daneshamuz S. Cosmetic sciences from ancient Persia. *Pharm Hist (Lond.)*. 2011; 41(2):18-23.
- Monshi AN. [*Kalileh and Dimnah*]. Corrected by Minavi Tehrani M. Tehran: Amir Kabir. 2004. [in Persian]
- Nafisi A. [*Pazhouheshi dar Mabani Aghaied Sonati Pezeshki Mardom Iran*]. Isfahan: Masha'1. 1985. [in Persian]
- Najmabadi M. *History of medicine in Iran*. Vol.1. Tehran: Tehran University. 1992. [in Persian]
- Nayernouri T. Asclepius, Caduceus, and Simurgh as medical symbols, part I. *Arch Iran med*. 2010; 13(1): 61-8.
- Plutarch. *Persians and Greeks*. Translated by Kasravi A. Tehran: Jami. 2001. [in Persian]
- Pourdawoud I. *Avesta*. Tehran: Doniaie Ketab. 2003. [in Persian]
- Rafiei MR. *Fars, the half of paradise*. Shiraz: Takht Jamshid. 2005.



[in Persian]

Sarmadi MT. [*Pazhooheshi dar Tarikhe Pezeshki va Darman Jahan az Aghaz ta Asre Hazer*]. Tehran: Sarmadi publication. 2000. [in Persian]

Siculus D. *Iran and ancient east in historical library*. Translated by Bikas Shorakaei H, Sangari I. Tehran: Jami. 2005. [in Persian]

Shahrzadei R. *Zoroastrian social laws in Sassanid period*. Tehran: Farvehar. 2006. [in Persian]

Soltani A. Sources used by Rhazes in compiling the Al-Hawi. *Quarterly Journal of Islamic and Iranian Traditional Medicine*. 2010; 1(1): 17-32. [in Persian]

Tadjbakhsh H. *The history of Veterinary and medicine in Iran*. Tehran: Tehran University. 2000. [in Persian]

Takmil Homaioon N. *Gondishapour University*. Tehran: Daftar Pazhouheshhaie Farhangi. 2005. [in Persian]

Ulman M. *Islamic medicine*. Translated by Badrei F. Tehran: Tous. 2004. [in Persian]

Wiesehöfer J. *Ancient Persia*. Translated by Saghebfar M. Tehran: Ghoghnoos. 1998. [in Persian]

Xenophon. *Cyropedia*. Translated by Mazandarani V. Tehran: Doniaie Ketab. 2006. [in Persian]

Zargaran A, Mehdizadeh A, Yarmohammadi H, Mohagheghzadeh A (b). Zoroastrian priests: Ancient Persian psychiatrists. *Am J Psych*. 2012; 169(3): 255.

Zargaran A, Mohagheghzadeh A (a). Jamasp, an ancient Persian Pharmacist. *Res Hist Med*. 2012; 1(1): 3-6.

Zargaran A, Mohagheghzadeh A, Ghasemi Y, Morowat MH. Medical ethics in ancient Persia. *Quaternary Journal of Medical Ethics*. 2008; 2(1): 91-121. [in Persian]





The tomb of Cyrus the Great (500 BC), Marvdasht, Fars province